

متن پرسش

عنوان موضوع : در مبحث حدوث یا قدم عالم ، چه جایی برای تکفیر فلاسفه توسط غزالی مانده بود و چگونه صدرالمتألهین آن را جواب داد؟ سوال : با عرض سلام و تشکر فراوان □ مشائون که عالم را قدیم زمانی می دانستند، در عین حال آن را حادث ذاتی هم می دانستند پس چه جایی تکفیری برای امثال امام محمد غزالی باقی بود؟ اشرافیون هم که عالم را متأخر از خداوند می دانستند. یعنی اگر عالم آغاز زمانی نداشت ولی آغاز علی داشت. با این وجود چه لزومی داشت که جناب صدرالمتألهین بخواهد حدوث زمانی عالم را اثبات کند؟ سوال بعد: اثبات حدوث زمانی عالم که صدرالمتألهین طرح کرد چه تفاوت و مزیتی بر دیدگاه متکلمین داشت که با آن توانست فلاسفه را از تکفیر تبرئه کند؟ در جایی این سوال را پرسیدم به این جواب قناعت کردند که «حکمت صدراپی ، نظر متکلمین را مبني بر تساوی حدوث ذاتی با قدیم زمانی را تبدیل به تغایر این دو از هم نمود. و تفکیک بین این دو را تعریف و تبیین نمود.» ولی منظور را درست نفهمیدم - پیشاپیش از پاسخ شما سپاسگذارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شاید در تاریخ فلسفه نتوان به این شکل‌ها یک نوع تقابل را دنبال کنیم. جناب صدرالمتألهین موضوع حدوث و قدم را به شکلی دقیق‌تر به این صورت مطرح می‌کند؛ وقتی براساس برهان حرکت جوهری مشخص شد که زمان، بُعدی از عالم ماده است و خارج از عالم ماده، زمان معنی ندارد، نتیجه می‌گیریم که با خلق عالم ماده، زمان به وجود می‌آید، یعنی همین که جهان ماده هست، زمان هست؛ نه اینکه اول زمان بوده و بعداً جهان ماده در آن زمان به وجود آمده؛ پس اینطور نیست که عالم ماده در یکی از مراحل زمان به وجود آمده باشد و یا عالم ماده از اول، همین که زمان بوده، در کنار آن زمان به وجود آمده و تصور کنیم عالم ماده یا «حادث زمانی» باشد و در زمان حادث شده باشد و یا «قدیم زمانی» باشد، و از ابتدای زمان به وجود آمده باشد. زیرا زمان، موجود مستقلی نیست که جهان، در آن و یا همراه آن به وجود آمده باشد، بلکه طبق حرکت جوهری «جهان ماده» هر لحظه به وجود می‌آید و «زمان» هم پیرو آن، لحظه به لحظه موجود می‌شود. پس می‌توان گفت: جهان ماده هر لحظه حادث است و زمان مخصوص به آن نیز هر لحظه حادث است. پس کلّ عالم ماده در بی زمان و بی مکان ایجاد شده است، یعنی همانطور که عالم ماده در زمانی ایجاد نشده، بلکه همراه به وجود آمدن خود، زمان خود را هم به وجود آورده است، همانطور که در مکانی ایجاد نشده، بلکه خودش همان مکان است، و همین که به وجود آمد، مکان و زمان معنی پیدا کرد.

